

برنامه گزاری کشاورزی

نتایج نزدیک و دور تقسیم زمین

چند هفته یا چند ماه دیگر کار اصلاح ارضی ، در سراسر مملکت به پایان خواهد رسید و هنگامیکه به پایان برسد خود مساله نیز جزء تاریخ شده است .

هر چند فرمول تقسیم زمین ، تا حدودی زیاد نشان دهنده ی تحولی است که در بخش کشاورزی و مالکیت بزرگ انجام پذیرفت اما شکستن و جای دادن آنچه واقع شد در چند جمله ی کوتاه کار بررسی را آسانتر میکند .

اصلاح ارضی ، مالکیت بزرگ زمین را از میان برداشت . در مرحله ی اول قانون ، کشاورز مالک زمینی گردید که میکاشت . در مرحله ی دوم پاره یی از کشاورزان باز زمیندار میشوند ، پاره یی دیگر زمین را در مدتی دراز - مثلن سی سال - به اجاره میگیرند و دستهی سوم ، خرده مالکان ، زمینی محدود و مشخص را یا خود خواهند کاشت و یا کارگر روزمزد بر آن خواهند کاشت . در کنار نظام جدید شرکتهای تعاون روستایی در حال پیدایش و گسترش است و بانك کشاورزی وامهای بزرگتر و بیشتری به دهقانان اعطا میکند . نقطه . اگر چه آخرین و بهره بخش ترین تحولات اجتماعی و اقتصادی تا کیدی پیش بر عملی شدن ، زمین دارد اما آنچه در کشور ما - و در زمانی نسبتن کوتاه - روی داد ، به هر حال ، مبنای مساعدی برای برنامه گذاری ی کشاورزی و گام برداشتن در جهت رفاه اکثریت به وجود آورد .

اکنون ، یعنی در وضع تازه ، کاربرد برنامه گذاری ، اعم از بزرگ یا کوچک ، به شرطی که سرمایه های لازم را بخش عمومی ی اقتصاد فراهم آورد و اجرا کنندگی بر نامه نیز دستگاه دولت بوده باشد سهل تر و امید بخش تر تواند بود .

اما باید دید دامنه ی اصلاح ارضی به چه نوع برنامه هایی کشیده خواهد شد و یا چه برنامه هایی ، در مراحل نخستین ، مالکیت بزرگ ارضی را که مانعی در راه پیشرفت و بهبود به شمار میامد چنین ساده و آسان از میان برداشت .

زندگی پدیده یی نیست که توقف کند یا پایان پذیرد . پیشرفت و گسترش است یا سیر قهقهرایی . ساختن يك بانك یا آزمایشگاه خود - به - خود چه ارزش دارد ؟ ایجاد وسایل ارتباطی یا راههای امروزی برای کدام دسته سودمند میافتد ؟ بانك یا دستگاه خبری برای داد و گرفت و آگاهی مردمی است که آنرا برپا داشته اند . اگر این بهره گیری از جانب همه ی مردم و به نحوی مداوم صورت نپذیرد همه ی آن دستگاهها بیفایده اند .

اصلاح ارضی هم ، چنین است . فرمولهای اصلاح ، اعم از اینکه بر تحدید ساده و قانونی میزان مالکیت استوار باشد یا به تقسیم زمین از طریق خرید و فروش آن دست ببرد یا بنام مصالح اجتماع ملی شدن زمین را - به مثابه سرمایه‌یابی که از آن همگان است و تنها به کار کاشتن میاید - تجویز کند به ذات هدف نهایی یا اسباب انبساط خاطر نمیتواند قرار گیرد .

اصلاح ارضی ، بخشی از یک برنامه یا مقدمه‌ی برنامه‌ی است که در مرحله اول برای رفاه دهقانان طرح میگردد و دامنه‌ی آن ، در مراحل بعد به زندگی و معاش دیگران میکشد . ناگزیر باید در جستجوی برنامه‌ی کشاورزی بود . منافع متصور از الغای مالکیت بزرگ و دسترسی دادن دهقان به زمین و آب هنگامی فراهم میاید که برنامه گذارهای کشاورزی پیروزمندان به پایان رسیده باشد و کار کشت و زرع بر شیوه و آیین تازه بدنبال هدفی سود بخش و شناخته شده ادامه پیدا کند .

چگونگی این موضوع را در سه بخش کوتاه می‌بینیم .

۱- نتایج تقسیم زمین

پس از الغای مالکیت بزرگ و فروختن زمین به دهقان ، کشاورزی و زندگی در روستا - با توجه به جاذبه‌ی شهر و گروه روستا نشینان کشورهای واپس مانده که به هنگام پایه گذاری مقدمات صنعت ، حتماً پیش از تقسیم اراضی ، به سوی شهرها سرازیر میگرددند - لزومن به همان وضع که قبلن بود تثبیت نمیشود و در همان جهت که پیش میرفت پیش نمیرود .

دهقان سازنده‌ی سر نوشت خود شده است . زمین دارد ، آبی به او میدهند . تک یا جفت گاوی شاید داشته باشد . شرکت تعاونی در روستای آنها تشکیل شده ، یا قرار است تشکیل شود . اما مقداری از سرمایه‌اش را او باید بپردازد . خانواده‌ی بی‌درد که باید معاش را تامین کند . نقشی که مالک در تمشیت و اداره‌ی امور روستا ، به انگیزه‌ی سود شخصی داشت ، منتفی گردیده است . فراهم آوردن بذر بهتر و کود ، لارویی قنات و بسیاری کارهای دیگر را شرکت‌های تعاونی - که خود در حال پیدایش و گسترشند - میباید انجام دهند و در نبودن آنها خود دهقان . موقعیت او از هر لحاظ تازگی دارد . باید خود را با موقعیت تازه وفق دهد . کوشش خود را در این راه بکار میبرد ، اما نگاه کافی نیست .

نتیجه‌ی طبیعی وضع تازم - که چون مبنایی آماری دارد ناگزیر علمی و پرهیز ناپذیر مینماید - افت و کمبود محصول در همه جا است . در هر یختگی سازمان روستا ، فرار احتمالی از کار ، فروش زمین یا نکاشته رها کردن آن ، سرازیر شدن به شهر ، به هدردادن کوشش خرده - مالکی که حصه‌ی خود را کاشته ، زیاده‌خاهی‌ها ، افزایش بیکارگی ، نایاب شدن مواد خام و بالا رفتن هزینه‌ی زندگی ، ورود محصول کشاورزی از خارج ، از میان رفتن توازن پرداختهای خارجی ، متوقف ماندن برنامه‌های عمرانی که اعتبار مالی‌ی آنها صرف خرید غله از خارج شده است ... فراموش نکنیم که قهر طبیعت و خشکسالی نیز میتواند به کمبود محصول کشاورزی کمک کند . چنین است وضع در نخستین سالهای تقسیم . ناگواری‌ی شرایط هنگامی بیشتر محسوس

میشود که اقتصاد کشور تقسیم کننده بر تولید کشاورزی و صادرات مواد خام استوار باشد (در سالهای پس از جنگ دوم کشورهای تولید کننده نفت در شمار صادر کنندگان ماده خام در آمده اند.) عدم تعادل پرداختها و اختلال بازرگانی خارجی آثار سنگین تری به وجود میآورد؛ قبلن برای وارد کردن کالاهای مصرفی ماده خام صادر میشود، اما وقتی در تولید ماده خام نکث حاصل شود یا تولید سقوط کند کار به بن بست خواهد کشید.

این نتایج مربوط به سالهای نخستین است. با پیشرفت زمان جهت تحول اقتصادی و سرنوشت کشاورزی نیز روشن میشود. جهت تحول بستگی دارد به تلاشی که برای سامان دادن به اقتصاد و به تبع آن به کشاورزی به کار میبرند، به طرحهای بزرگ اقتصادی، به برنامههای تولید و سرمایه گذاری...

اگر از اوضاع خاص، اقتضاهای تاریخی و شرایط جهانی که بر هر کشور اثر میگذارد چشم پوشم پیش بینی نتایج تقسیم زمین در آینده نسبتن دور مبنی بر دو فرضیه مقدماتی خواهد بود:

۱- تقسیم زمین جزئی از یک طرح توسعه یارفاه اقتصادی بوده است؛

۲- تقسیم زمین خود - به - خود و به - تنهایی مورد توجه قرار داشته.

نتایج دورتر در انکاره ی نخستین روشن است. اگر طرح اقتصاد عمومی با واقع بینی تنظیم شده باشد، اگر همه ی منابع ملی و نیروهای انسانی را به حساب آورده باشند، اگر تمام طبقات از منابع طرح برخوردار شوند و اگر دستکاههای اجرایی و اداری آن شایستگی علمی و اخلاقی را که برای این رسالت بایسته است دارا باشند اجرای طرح، رفاه و گشایش آرزو شده را بسیار خواهد آورد و سهمی که این رفاه و بهبود در بخش کشاورزی پدید میکند به خوبی قابل پیش بینی است.

اما در انکاره ی دوم، پیش بینی علمی دشوار است. خطوط کلی ی تنبیه - ر محو و ابهام - آمیز بنظر میآید. شاید تولید کشاورزی هرگز به سطح پیشین بازنگردد و شاید نتایج نخستین با تعدیلی متناسب پایدار شود. در موارد خاص - که عوامل اقتصادی و اجتماعی دیگر اجازه میداده - مالکیت تجدید شده و هر چند میزان آن به گذشته نرسیده، زمیندارانی پیدا شده اند که زمین بسیاری کنار هم انباشته و خود بی اینکه کار کنند به بهره کشی از کار دیگران پرداخته اند.

۲- برنامه گذاری کشاورزی

هدف يك برنامه ی کشاورزی چه میتواند باشد؟

الف - افزایش تولید برای تأمین نیازمندیهای کشور. در تنظیم برنامه یی که هدفش چنین باشد دو عامل مورد توجه قرار میگیرد: افزایش جمعیت و بهبود زندگی. اگر جمعیت کشوری در سال يك درصد اضافه شود و اگر سطح زندگی نیز در حدود يك درصد بالا برود ناگزیر باید تولید کشاورزی را دست کم دو درصد افزایش داد. اما غیر از ازدیاد جمعیت و بهبود یافتن زندگی مقاصد دیگری هم گاه و بیگاه در نظر گرفته میشود.

ب- بالا بردن درآمد کشاورزان. در این نوع برنامه ها هدف اینست که دهقان از کار خود

بهره‌ی بیش‌برد و فقر و محرومیت طبقاتی او کاهش پذیرد .

وضع مالی دهقانان قبل از اصلاح اراضی چنین بود. از بیست و دو میلیون جمعیت تقریبی در حدود سه چهارم کشاورزی میکرد یا در روستا می‌نشست. تولید کشاورزی هفتاد میلیون ریال بر آورده شده بود و برای این مبنای درآمد سرانه‌ی هر کشاورز یاده‌نشین به ۴۵۰۰ ریال در سال میرسید. نوع کشت، ابزار کشاورزی، بی‌آبی، بذرنامرغوب، کوداندک و آفات، بهره‌دهی (Efficiency) کشاورزی رافی - حد ذاته کاهش میداد و سازمان تولید کشاورزی در معنای روابط مالک - و - زارع درآمد دهقان را به کمترین حد میرساند.

وسایلی که برای نیل به هدفهای الف و ب داریم اینهاست .

۱- افزایش بهره‌دهی کشاورزی وسیله‌ی تغییر نوع کشت ماشینی کردن کشاورزی، تأمین آب، بذرو کود و حذف بیکاری. (دهقانان قبل از اصلاح اراضی هر سال در حدود ششماه بیکار بودند.)

۲- القای مالکیت ارضی و سپردن درآمد کشاورزی به دهقان .

(پ - اما منطقی‌ترین برنامه‌ی کشاورزی و منطقی‌ترین هدف در هر برنامه‌ی کشاورزی همان است که در يك طرح عمومی اقتصادي پیش‌بینی شده باشد. زیرا هر طرح ناچار بر نامه‌ی برای بخش کشاورزی دارد و تحول آنرا با تحولات صنایع و آبادانی هم‌آهنگ میگرداند. اما هیچ برنامه‌ی کشاورزی نیست که بتواند به تنهایی و بی‌کمک يك طرح عمومی اقتصادی به موقع اجرا گذارده شود .

در زندگی جدید، شهر رده از هم جدا نیست. تولید کشاورزی و صنعتی متمم و وابسته‌ی یکدیگر است ...

اقتصاد هر مملکت کلی تجزیه ناپذیر بوجود می‌آورد که نمیتوان بخشهای آن را از یکدیگر تفلیک کرد، برای يك یا دو بخش برنامه ریخت و دیگر بخشها را بحال خود گذارد. تئوری میگوید و تجربه تایید میکند که طرح برنامه‌ی کشاورزی بی‌اینکه در دل طرحهای عمومی اقتصادی جای داده شود، پیروزی بی‌نسبی دارد، یعنی شکست در انتظار آنست .)

اما عوامل اجرای برنامه‌های کشاورزی :

۱ - عوامل طبیعی : زمین، آب و نیروی کار . چیزی که کم نداریم زمین است. هم‌اکنون زمین که هر سال کشت میشود با آبی که نوبت کشت آن نیست شاید به هیجده میلیون هکتار برسد. هر گاه ضرورت افتد سطح زیر کشت را میتوان بدو برابر این میزان رساند. آب کم داریم. پاره‌ی از آب رودخانه و چشمه صرف کشاورزی میشود و پاره‌ی بهدر میرود. آب‌های زیر-زمینی کمتر مورد استفاده است. اگر از همه‌ی رودخانه‌ها سود بجوئیم، اگر آب این سدها که بسته میشود و بسته شده بکشتزارها برسد و اگر برای بالا کشیدن آب‌های زیرزمینی دست بکار شویم شاید آب کافی فراهم آید. نیروی کار باز زیاد داریم. در اثر بیکاری مزمن

نیمی از کشاورزان را کنار گذارد ، بی اینکه لطمه‌یی به کشاورزی وارد گردد . اما اینکار چندان ساده نیست . مضافن اینکه هر گاه آب و زمین زیاد باشد روستاییان سرگرم کشت میشوند و محصول افزایش پیدا میکنند .

۲ - عوامل فنی . کشاورزی به ابزار ماشینی ، بند مرغوب و کود نیاز دارد . خانه‌یی که بتوان در آن زیست ، جایگاه بهداشتی برای دام ، پزشك ، دارو ، و گرما به . برای تامین اینها سرمایه لازم است . این سرمایه از کجا باید برسد ؟ سرمایه معمولن از راه پس انداز تامین میشود . اما پس اندازهای دهقانی آنهم در کشورهای واپس مانده ، چندان نیست که به کار سرمایه گذاری بیاید . سرمایه گذاری کشورهای واپس مانده بزحمت در حدود ۵ درصد درآمد ملی میشود (کشورهای صنعتی ۲۰ درصد) . از این میزان چه اندازه اش به کشاورزی اختصاص خواهد یافت ؟ نرخ بهره مانع دیگریست . کارهای غیر تولیدی ، سفته بازی و انبوه واردات ، نمیکذارد سرمایه را در کارهای تولیدی و خصوصن کشاورزی بکار اندازیم . در چنین چشم اندازی - بی توسل به آمار و رقم - وضع سرمایه گذاری امیدبخش نیست . عوامل حقوقی . بهره برداری کشاورزی از مالکیت زمین جداست . با تقسیم زمین ، بهره دهقان حصه‌یی رسیده است که باید آن را بکارد . اما کشت پاره‌یی محصولها مانند چغندر قند یا پنبه به واحدهای بزرگ نیاز دارد تا زودتر و بهتر بهره برداری شود . در این موارد میباید دهقانان را آماده گرداند تا مرز را از میان زمینها بردارند . اگر چنین نکنیم اجرای برنامه‌های کشاورزی دشوار خواهد شد .

عوامل اقتصادی . مهمترین آنها تنظیم بازار برای محصولات کشاورزیست . بازار ماده‌ی خام با بازار کالای صنعتی فرق دارد . عرضه‌ی محصول کشاورزی تابع عوامل طبیعی و ازاختیار کشاورز بیرون است . اما تقاضای آن ثابت میماند . نتیجه اینکه قیمت ماده‌ی خام همواره تحت تاثیر عرضه قرار دارد و چون عرضه خود تابع عوامل خارجیست قیمتها پیوسته دچار نوسان میباشد .

اجرای برنامه‌ی کشاورزی باین ترکیب با دو مساله روبروست . تنظیم بازار داخلی و مبادله‌ی کالای خام در خارج . در داخل کشور باید قیمت محصول را با توجه به سطح عمومی قیمتها ، میزان تولید ، نیازمندیهای عمومی ، و قوه‌ی خرید دهقان تنظیم کرد . اما در بازار بین الملل مسئله‌ی مبادله بسیار پیچیده میباشد . شرایط مبادله‌ی کالای ساخته با ماده‌ی خام پیوسته بسود کشورهای صنعتی و به زیان سرزمینهای کشاورزی میانجامد (نگاه کنید بمقدمه‌ی «هوشیاری ژرف» ، ۱۳۴۲ ، تهران) بعبارت دیگر مبادله‌ی ماده‌ی خام و کالای ساخته چه در جهان با اصطلاح آزاد و چه در نیای کمونیست وسیله‌ی بهره کشی ملت‌های صنعتی از ملت‌های کشاورز و وامانده است و همه‌ی تلاشها برای حل این مساله بیهوده .

عوامل سازمانی . ایجاد سازمانی که بتواند تسهیلها و راهنمایهای مورد نیاز را در

اختیار دهقان قراردادگام بلندیست. چنین بیانگاریم که تراکتور و ماشینها تهیه شده و به کشتزار رسیده. دهقان میباید همکاری تازه اش را بشناسد و شیوهی کار کردنش را بداند. مرکز آموزش فنی، تعمیرگاه، مزرعهی نمونه و نمایشگاهی که هم ابزار و هم محصول را ارائه دهد وسیلههای بایستهی هستند.

بر آوردن نیازمندیهای دیگر و از آن مهمتر سرمایه گذاریهای بزرگ سازمانهای دیگری را بر سر دست میآورد. شرکتها و صندوقهای تعاون روستایی با سرمایه و نیرویی که بتوانند چاههای عمیق بزنند، قناتها را لارویی کنند، تراکتور و کمباین بخرند، بذر، آفات و کشت و محصول تازه...

از مختصات کشورهای واپس مانده، اختلاف بزرگ در قیمت مادهی خام است برای مصرف کننده و برای تولید کننده. اگر سازمان جدید کشاورزی بتواند محصول را مستقیم و بیواسطه از دهقان بگیرد و بمصرف کننده برساند کاری بزرگ انجام شده. شرکت های تعاونی فروش میتوانند در این تلاش موثر باشند.

۳ - طرح توسعهی اقتصادی

از این موضوع تعریف زیاد کرده اند. یکی: استفاده از همهی امکانهای علمی و فنی برای بهره برداری از کلیه منابع طبیعی، نیروهای انسانی و سرمایه های در دسترس، بمنظور اینکه سطح زندگی بالا بیاید. و دیگری: «تامین حداکثر رفاه اقتصادی». توسعهی اقتصادی را کنار میگذاریم. میدانیم در جهان امروز ملت ها دودسته شده و کنار هم زندگی میکنند: (۱) ملت های صنعتی و پیشرفته و (۲) ملت های واپس ماندهی کشاورزی. مختصات اینهارا ترسیم کنیم.

(۱) پیشرفتگان:

الف - درآمد سرانهی بیش از ۲۵۰۰۰ ریال در سال

ب - مواد غذایی کافی، دست کم ۳۰۰۰ کالری در روز

پ - تولد، بیماری و مرگ اندک

ت - تولید تکامل یافتهی ماشینی علوم انسانی

ث - توزیع عادلانهی درآمد

(۲) واپس ماندگان:

الف - درآمد سرانه، حداکثر ۵۰۰۰ ریال در سال

ب - فقر غذایی، دست بالا ۱۰۰۰ کالری در روز

پ - تولد، بیماری و مرگ فراوان

ت - اقتصاد کشاورزی، تولید سادهی بدوی، کم کاری و بهره دهی ناچیز

ث - توزیع غیرعادلانهی درآمد

اما ملت های دستهی دوم اندک اندک بیدار میشوند و برای رسیدن بدستهی اول تلاش

میکنند . این تلاش و کوشش را که هدفش رسیدن بتولید ماشینی و صنعت بزرگ است همان توسعهی اقتصادی مینامیم .

از این تلاش و کوشش هم میگذریم ، میان قبایل افریقا یا در دورافتادهترین روستاهای امریکای لاتین چهری زندگی دیگر گون شده است . بشر راه و رسم گذشته را کنار میگذارد و به شیوههای تازه میگراید . زندگی امروز نیازمندیهای تازه دارد . تنها با محصول کشتزار نمیتوان زیست . تولید مادهی خام هر اندازه افزون باشد رفاه و خوشبختی نمیآورد . باید محصول کشتزار را با کالای ساخته ، باقند و قماش ، با اتوموبیل و مولد برق و ماشین چاپ مبادله کرد . در همین مبادله است که مایههای بهره کشی از کار و کوشش تولید کنندگان مادهی خام نهفته شده . فقر و درماندگی در یک قطب و پیشرفت و غنا در قطب دیگر متمرکز میگردد . اگر تولید ماشینی و صنعت را در کشورهای واپس مانده نیز پایه گذاری کنیم باین مبادله پایان داده خواهد شد . در کشورهای سرمایه داری افزایش درآمد بیش از افزایش جمعیت است و بهمین دلیل پس انداز بیشتر میشود و سرمایه گذاری هم زیادتر صورت میپذیرد . اما هم پس انداز و هم سرمایه گذاری در کشورهای واپس مانده قلیل است و طبیعتن فاصلهی میان دودسته کشورها همواره زیاد میشود .

هر گاه تولید کنندگان مواد خام آرزومند سر نوشت بهتری باشند باید به اقدامات شدید و اساسی دست بزنند . طرحی برای توسعهی اقتصادی ، تقلیل نسبی رقابت های خصوصی و ابتکار آزاد ، توسل به مداخله ی دولت و سیستمهای اقتصاد ارشادی . آنها ناگزیرند راهی را که سرمایه داری های صنعتی به آرامی پیموده اند دوان دوان پشت سر گذارند . به این ترتیب آرزوی زندگی بهتر موجود تکاپو و حرکت می شود و ملل جهان هر سال به تنظیم طرحهای اقتصادی شتابی بیشتر نشان میدهند ، زیرا تامین استقلال اقتصادی ، یا صنعتی کردن کشور یا فراهم آوردن اشتغال کامل راهی جز این ندارد .

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شرایط پیروزی

- ۱ - طرح توسعهی اقتصادی باید ملی باشد ، به این معنا که منافع حاصله از اجرای آن عاید تمام طبقات گردد . جنبه ی ملی طبقات مختلف را بقمالت و تلاش و امیدارد و هر طرحی که فاقد این جنبه باشد دچار شکست خواهد شد .
- ۲ - مسئول اجرای طرح دستگاه دولت است .
- ۳ - طرح اقتصادی جامع است ، یعنی تمام بخشهای اقتصاد ، اعم از تولید داخلی ، بازرگانی خارجی ، سرمایه گذاری ، صنایع و هزینه های عمومی ، را دربر میگیرد .
- ۴ - طرح اقتصادی متوازن و متعادل است ، به نحوی که هر بخش اقتصاد را همگام با بخش های دیگر بجلو میبرد . تولید کشاورزی و توسعهی صنعتی هم آهنگ گردیده . کارهای ساختمانی و تهیهی مصالح آن یکنواخت گسترش مییابد . برنامه های بلند مدت که مستلزم هزینه های گزاف و تورم است با برنامه های کوتاه مدت و تهیه کالای مصرفی توأم شده . صنایع

تازه دهقانان زایدرا بکار می‌گمارد و تراکتور و ابزار لازم را در دسترس کشاورزان می‌گذارد.
افزایش قدرت خرید کالای تازه را جذب میکند ...

۵ - و برای احراز همه‌ی این شرایط ، تنظیم و اجرای طرح میباید در دستگاہی مقتدر و متمرکز صورت پذیرد نه اینکه در هر گوشه برنامه‌ی جداسر و آهنک یا هدفی دیگر .

مجال سخن تنگ مینماید اما شاید پس از این بررسی‌ی کوتاه بتوان اندکی فراتر نگرست و به پاره‌ی از آن مسایل که طرح میشود پاسخی مقدر داد .

تهران - امرداد چهل و چهار

ناصر وثوقی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی